

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نگاه مُكْفَهَرَه به گناهکار

مواردی را که سؤال فرمودند، آن مقدارش که در ذهن من هست عرض می‌کنم؛ مطلب اول به این نحو است که رسول خدا(ص) یکی از حقوقی را که برای همه‌ی ما واجب کرده، این را ما قبول داریم، برای همه‌ی ما واجب کرده این است که با اهل معصیت با وجوه مُكْفَهَرَه برخورد کنیم؛ «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ(ص) أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ»، یعنی هیچ کس از مسلمان‌ها حق ندارد با یک کسی که اهل معصیت است چهره‌ی خوب و مهربانانه‌ای داشته باشد، این امرنا که روشن است نسبت به همه‌ی ما واجب است.

از آن استفاده می‌شود که عینیت هم استفاده می‌شود، یعنی مأمور به چیست؟ ولی امر وجوبش وجوب عینی است بر همه واجب است، اما عمده سر کلمه‌ی اهل المعاصی است، نمی‌گوید امرنا به کسی که ارتکب المعصیه یک نفری که مرتکب معصیت شده، یک بار هم مرتکب معصیت شده، این صدق عنوان اهل معصیت بر او نمی‌کند، ما یک استفاده‌ای کردیم از این لفظ که «اهل المعاصی» مثل اینکه تشبیه کنیم به اهل العلم، حالا اهل العلم اگر کسی فقط یک حدیث یاد گرفته، شما به او می‌گوئید اهل العلم است؛ اگر کسی یک روز رفته یک درسی نشسته، اگر کسی فقط یک قاعده بلد است. مثلاً در مورد قرآن به چه کسی می‌گوئید اهل القرآن، به کسی که غالب ایامش با قرآن سپری می‌شود و الا اگر کسی در طول عمرش یک بار این آیه‌ی قرآن را خوانده، شما به این نمی‌گوئید اهل القرآن.

منظور از اهل معاصی در آیات و روایات

به نظر من نکته‌ای که یک مقداری در این کلمات بزرگان که بر طبق همین روایت فتوا دادند انکار قلبی در باب منکر بر همه واجب عینی است، به این نکته توجه نشده که اهل المعاصی یعنی آنهایی که کارشان معصیت است، کارش رباخواری است، کارش این است. من بیایم نعوذ بالله با این آدم رباخوار همان برخورد متواضعانه و مهربانانه‌ای را داشته باشم که با یک آدم غیر رباخوار است، اسلام این را قبول ندارد. یک کسی دائم الخمر است، یک کسی دائم الغیبه است هر جا می‌نشیند، شما الآن ببینید اگر یک کسی یکی دو بار غیبت کرد به این نمی‌گویند اهل الغیبه، اما اگر یک شخصی است که مجلسی نیست که غیبت از دیگری نکند، تا می‌نشیند شروع می‌کند! خود شما در حکم مراجعه کنید تا این را می‌بینید می‌گوئید این اهل غیبت است و لش کنید، از مجلس او برویم، این تعبیر خیلی روشن است.

رسول خدا(ص) امر فرموده که با اهل معصیت این چنین برخورد کنید، اما حالا می‌فرمائید اهل معصیت چه کسانی هستند؟ اتفاقاً آدم‌هایی هستند که در جامعه به اهل معصیت معروفند و دیگر نیاز به احراز ندارد، آن طرفش مشکل است، بگوئیم یک نفری یک بار غیبت کرده یا یک بار در خفا شرب خمر کرده یا یک بار نمازش را ترک کرده، این را نمی‌شود احرازش کرد، اما

اهل معصیت که قابل احرازند و باز آن نکته‌ای که فرمودید اتفاقاً مؤید ماست.

اگر مقصود رسول خدا(ص) این باشد که هر کسی ولو یک بار هم گناه کرده باشد همه‌ی مردم باید با وجوه مکفهره با او برخورد کنند، ما غالباً می‌بینیم اکثر مردم اهل گناهند، حالا گناه مختلف است، یکی غیبت می‌کند، یکی دروغ می‌گوید، نهایتش این است که بعضی‌ها نسبت به نماز کاهلی می‌کنند، آن هم یک گناهی است، این طرف قضیه است. یعنی این اهل معاصی که در این روایت واقع شده یک گروه کمی در جامعه‌ی مسلمین هستند، در جامعه‌ی مسلمین یک گروه معدودی هستند یعنی آدمی که دائماً، حالا از هزار تا مسلمان، ده هزار تا مسلمان، پنج تا، ده تا ممکن است رباخوار باشند، ده تا ممکن است دائم الخمر باشند اتفاقاً باید قلت داشته باشد، نه اینکه بگوئیم هشتاد درصد جامعه اینطور است، پس همه‌ی جامعه نسبت به هم باید با وجوه مکفهره برخورد کنند، این مؤید ما می‌شود که اینها به قول شما دو سه درصد هستند، پنج درصد هستند، یک گروه خیلی هستند که رسول خدا به بقیه امر می‌کند که باید با وجوه مکفهره با اینها برخورد کرد.

مسأله‌ی برخورد به نامحرم و بد حجاب‌ها

یکی از جهاتی که سؤال می‌کنند که ما یقین داریم در خیابان که راه می‌رویم نامحرم به چشم ما دیده می‌شود، باز جایز است برویم؟ می‌گوئیم بله مانعی ندارد. بعضی از آقایان می‌گویند چون شما به این قصد نمی‌روید، این درست است. ولی یک وجهش این است که شما با اینها برخوردی ندارید، این یک امر تصادفی است، نمی‌خواهید با اینها صحبت کنید، جلسه داشته باشید.

سؤال...؟

پاسخ استاد:

هر جا که لقای حاصل شود، هر جا ملاقاتی باشد برخورد طرفینی است، ملاقات هم برخورد طرفینی است، شما در خیابان راه می‌روید و او هم راه می‌رود، او ممکن است شما را نبیند و متوجه شما نشود، حتی شما دارید حرف می‌زنید و متوجه حرفهای شما هم نشود، ولی در مغازه، تاکسی، در بیت یک عالمی اگر بخواهند حضور پیدا کنند، می‌آیند از شما مسئله می‌پرسند، متأسفانه گاهی اوقات ما طلبه‌ها بدتر از عادی‌ها برخورد می‌کنیم، دیدم در تلویزیون یک زنی با یک روحانی مصاحبه‌ای می‌کند درست همانطور که به یک مرد نگاه می‌کند به این زن نگاه می‌کند و جواب می‌دهد! تو یک مقدار رعایت احتیاط کن، حالا نمی‌خواهیم بگوئیم حرام انجام می‌دهد ولی برای دیگران ملاک می‌شود.

من بارها این را شنیدم که بعضی از زنهای متدین می‌گویند رفتیم از یک روحانی سؤال کنیم، همینطور نگاه می‌کند و جواب می‌دهد، این کار درستی نیست. نمی‌خواهم بگویم به قصد ریه نگاه می‌کند اگر اینطور باشد که حتماً حرام است، ولی روحانی باید سرش را پائین بیندازد، چه لزومی دارد وقتی یک زن با انسان صحبت می‌کند انسان سرش را بالا بیاورد، سرت را پائین بینداز، گوش بده، مقداری که لازم است جوابش را بده، چه لزومی دارد نگاه کنید.

اگر یک زن بدحجابی بیاید از شما سؤال کند، اگر شما یک مقداری سرتان را پائین بیندازید با چهره‌ی عبوسی که او بفهمد که شما از بدحجابی او ناراحت هستید، بر شما واجب است که این کار را بکنید. این مسلم معصیت است، کسی که دائماً موهایش بیرون است اهل معصیت است، اگر احتمال می‌دهید اولین بارش باشد نه، ولی کسی که اینطور هست و شبانه‌روزش در بیرون اینطور هست که اهل معصیت است.

پاسخ استاد:

خدا رحمت کند امام را، از چیزهایی که من از فقه امام خیلی در مورد روایات یاد گرفتم، تمسک به قرینه مناسبت حکم و موضوع است؛ قرینه مناسبت حکم و موضوع این است که وقتی لقاء من الجانبین شد، در یک جلسه‌ای نشستند ولو یک دقیقه، مثل اینکه خود امام قدس سره نقل می‌کنند در زندگی‌اش که در آن جلسه دوستانش، کسی که می‌خواست غیبت کند بلا فاصله چهره‌اش را عبوس می‌کرد. باید یک جلسه‌ای باشد یک لقایی باشد، من که رد می‌شوم لقایی حاصل نشده! ممکن است رؤیت هم برایش صدق کند که بگوید من دیدم، اما دیدن غیر از لقاء است. لقا زیداً امراً یعنی زید امر را ملاقات کرد، اینجا از جاهایی است که دیگر لقاء و باب مفاعله تقریباً یک معنا دارد.

تفاوت کفائی و عینی بودن بحث امر به معروف و نهی از منکر

بحث کفائی و عینی را آقایان می‌آورند روی اینکه معروف واقع شود یا منکر ترک شود، اگر مقصود نسبت به این باشد که بله، وقتی او واقع شد معنا ندارد که بگوئیم بر دیگران واجب است یا واجب نیست! و لذا روی همین حساب بعضی گفتند که اصلاً این نزاع، نزاع لفظی و لغو است، ما گفتیم بحث را اینجا می‌آوریم که اگر اولی می‌گوید اثر نمی‌کند، اگر گفتیم واجب کفائی است از زمره دیگران ساقط شده. من به الکفائی یعنی اینکه این را بگوید.

پاسخ استاد:

خلطی که واقع شده همین است، کفایت به این نیست که معروف واقع شود یا منکر ترک شود، یعنی اگر یک کسی آمد این امر را کرد، اگر گفتیم واجب عینی است باز بر دیگران هم واجب است، تا کی؟ از این نظر بین عینی و کفائی فرقی نیست تا زمانی که موضوع باقی است، وقتی این معروف محقق شد دیگر موضوع منتفی می‌شود و معنایی برای عینی و کفائی نیست، اما ثمره‌ی عینی و کفائی، عرض کردم این را در جلسات گذشته رویش تأکید کردم.

می‌گوئیم چه چیز واجب است؟ تحقق معروف در عالم خارج واجب است یا بر من امر واجب است؟ برای من ادله‌ی امر به معروف می‌گوید اگر یک کسی نماز نمی‌خواند بر من امر به معروف واجب است، حالا آیا عینی است؟ عینی یعنی من اگر امر کردم دیگری هم باید امر کند، سومی، چهارمی، پنجمی، تا موضوع منتفی شود.

اما اگر گفتیم کفائی است، می‌گوئیم یک نفر گفت از زمره‌ی ما ساقط شد و الآن مشکل ما با این فساد است که در بیرون هست اگر بیائیم بگوئیم این واجب عینی است، پس ما هر روز داریم مرتکب ترک واجب می‌شویم، می‌گوئیم واجب کفائی است، می‌گوئیم لاقلاً اینها از تلویزیون شنیدند این حرام است، لاقلاً یک نفر به ایشان گفته حرام است، امکان ندارد کسی به اینها نگفته باشد و نشنیده باشند، همین سبب می‌شود از زمره‌ی ما ساقط شود.

در باب امر به معروف و نهی از منکر این خلط در کلمات دیگران آمده که مسئله را بردند روی خود آن معروف، گفتند باید اینقدر

امر شود تا معروف واقع شد، وقتی واقع شد از ذمه‌ی همه ساقط است چه روی قول عینی و چه روی قول کفایی، تا مادامی هم که واقع نشده بر همه واجب است چه عینی و چه کفایی، پس نزاع لغو است! جواب این است که در اینجا بحث در خود آن معروف نیست، برای من چه چیز واجب است؟ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، من اینها را انجام دادم.

سؤال...؟

پاسخ استاد:

ما داریم ثمره‌ی بحث را می‌گوئیم، آنهایی که قائل به کفایی هستند باید این را قائل باشند و اکثر فقها قائل به کفایی هستند. من از شما سؤال می‌کنم اگر شما در یک جامعه‌ای قرار گرفتید غیر از شما کس دیگری نیست که معروف را بشناسد و منکر را بشناسد، شما باید امر به معروف کنید، این هم یکی از سؤالات است. حالا شما یک روز همه را جمع کردید گفتید ایها الناس چرا این معروف را ترک می‌کنید؟ معروف را انجام بدهید، همه را جمع کردید گفتید چرا این حرام را انجام می‌دهید؟ این حرام را ترک کنید، فردا آمدید دیدید اینها انجام ندادند دوباره بر شما واجب است بگوئید؟ به چه دلیل.

فرض کنید الان برای این آقای که در کشور خارجی قرار گرفته فقط همین میسور است، اینها را جمع کرد و گفت من وظیفه دارم به شما بگویم این معروف را دارید ترک می‌کنید نماز را ترک نکنید و این منکر را انجام می‌دهید این منکر حرام است، با همین یک بار وظیفه‌اش را انجام داد و تمام شد. لزومی ندارد دوباره اینها را جمع کند. حالا اگر در همین استان ده نفر دیگر باشند، بگوئیم امروز آقای باقری همه را جمع کرده، فردا بر تو واجب است، پس فردا بر دیگری واجب است، آنهایی که می‌گویند واجب عینی است بله، کسانی که می‌گویند واجب عینی است ملتزم به این هستند که ده روز، صد روز، هر روز باید اینها را جمع کنند و بگویند.

همانطوری که برای من امر به معروف واجب است برای شخص من تجهیز میّت واجب است، اگر میّت مسلمانی روی زمین مانده و کسی او را تجهیز نمی‌کند بر من واجب است. ما می‌گوئیم امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی، می‌گوئیم کفایی یعنی چه؟ این به حسب خودش است.

به عبارت آخری می‌گوئیم هر واجب کفایی به حسب خودش است، در تجهیز میّت واجب کفایی به حسب خودش این است که میّت تجهیز شود، در امر به معروف واجب کفایی این است که من امر کنم، یک بار که آمدم گفتم کافی است، شما این را حساب کنید این همه ما واجبات داریم، این همه امور مربوط به معیشت داریم، مربوط به نظام داریم، مربوط به امور شخصی زندگی داریم، بگوئیم من الان گفتم شما گوش ندادی، یک ساعت دیگر هم دوباره باید بگویم، دو ساعت دیگر هم باید بگویم، کارم شبانه روز باید امر به معروف و نهی از منکر باشد، واقعاً شرع این را لازم کرده؟

سؤال...؟

پاسخ استاد:

دین سمه و سهله یعنی اینکه من تمام زندگی‌ام را ببوسم کنار بگذارم و هر روز در خیابان به خانمی بگویم بایست، بروم در مغازه‌ای و بگویم تو چرا گرانفروشی می‌کنی، اینکه نشد!

پاسخ استاد:

مع الأسف امروز آمار تکان دهنده‌ای راجع به بی‌نمازی در کشور ماست، خصوصاً در قشر جوان. امروز آمار دقیق این است که بالای پنجاه درصد دانشجویها و دانشگاه‌ها نماز نمی‌خوانند، پس من و شما تا حصول نماز من الجميع باید برویم تلاش کنیم! فقه می‌گوئیم. این یک چیز آرمانی است و یک چیزی است که انشاءالله بتوانیم هر چیز، یک وقت بحث وجوب است، وجوبی نیست، اما واقعاً از آمال و آرزوهای ما این است که این کار واقع شود، نه تنها نماز! هیچ کسی گرانفروشی نکند، ربا نخورد، دروغ نگوید، غیبت نکند، این همه منکرات در جامعه وجود دارد، یعنی آیا همه‌ی ما حوزوی‌ها آستین بالا زدیم و قیام الکلی می‌کنیم بر اینکه تمام منکرات ...، این واجب است؟

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.